



جنبه فکری تمدن جدید آنطوری که باید و شاید وارد ایران نشده بود که روی آن فکر شود. حتی هنوز هم تا حدی نشده است. مردم به درک آن جهان بینی ای که منجر به تکنولوژی جدید شده و همه راحتی ها و ناراحتی ها را به وجود آورده هنوز واقف نیستند



چشم مردم مقداری نسبت به علم پرستی در معنای منفی آن باز شود.

◆ اخیرا در مطبوعات گفته می شود ایران بحران زده است مثل، بحران محیط زیست و... در حالی که جهان مدرن منظم است و همه مسائل و بحران ها را حل می کند. شما با چنین امری موافق هستید؟

البته در ایران بحران وجود دارد؛ در ممالک دیگر هم هست. در آمریکا هر ساله ۳۶ هزار نفر خود را می کشند. آمریکا ۳۰۰ میلیون نفر جمعیت دارد و جمعیت ایران ۸۰ میلیون نفر است که تقریبا یک چهارم جمعیت آمریکاست. چند نفر در ایران خود را می کشند؟ تعداد بیماران روانی در سوئد چقدر است و در بنگلادش و در ایران چقدر؟ بله؛ در ممالک غیر صنعتی شده و مملکت عزیز خودمان، خصوصا با فشاری که آمریکایی ها و غربی ها با مسائلی مثل بستن درهای تجارت و... می آورند، وضع اقتصادی مشکل است و مشکلات زیادی وجود دارد؛ ولی مشکلات غرب - تازه آن مشکلاتی که به سایر جاها سرایت کرده است - شکننده [خرد کننده] است. یعنی مثلا اگر همه مردم در بنگلادش از گرسنگی بمیرند [که یکی از بحران ها و مشکلات آنها همین گرسنگی است]، [باز هم] حیات در کره زمین باقی می ماند ولی اگر شهری مانند نیویورک همچنان بسط پیدا کند، همه محیط زیست را نابود خواهد کرد.

روی آن فکر شود. حتی هنوز هم تا حدی نشده است. مردم به درک آن جهان بینی ای که منجر به تکنولوژی جدید شده و همه راحتی ها و ناراحتی ها را به وجود آورده [هنوز واقف نیستند] و افراد خیلی کمی [پیدا می شوند که] متوجه این [جهان بینی] - که در حال از بین بردن دنیا است - باشند. من در آثار خودم مثلا در کتاب «معرفت و معنویت» و خصوصا در کتاب «دین و جهان طبیعت» نوشته ام که اصولا چه طور پله پله در غرب، فلسفه ای دور از معنویت و دور از خداوند راجع به طبیعت به وجود آمده است. این مساله آن طور که باید و شاید هنوز هم که هنوز است، شناخته شده نیست. به همین دلیل عمیق ترین نقدهایی که در ۱۰۰ سال اخیر بر ضد این مادی گرایی، علوم جدید و تکنولوژی جدید انجام شده است، از سوی خود غربی هاست تا مسلمان ها.

در میان مسلمانان اگر از یکی دو نفر صرف نظر کنیم، این موضوع تازه شروع شده است و الان موقع این کار است و کار خیلی خیلی مهمی هم هست. من زمانی که در ایران بودم، ایوان ایلچ را به ایران دعوت کردم تا در این راستا برخی برنامه ها تدوین شود. او حتی با برخی وزرا هم - [که صنعتی کردن ایران را] برنامه ریزی می کردند - ملاقات هایی کرد و صنعتی کردن ایران را مسخره می کرد. الان هم البته سیاست دولت است و خوش شان نمی آید، ولی لازم است تا برخی افراد اهل فکر دعوت شوند تا

با فرهنگ غربی بیشتر آشنا بود، کتابی درباره این موضوع (درباره دوره تاریکی و روشنائی و این بحث ها) نوشت. بعد هم من به ایران آمدم و این کارها را شروع کردم. از آن طرف علامه طباطبائی هم جزء اولین علمایی بودند که وارد شدند و به باز کردن رابطه بین فلسفه ما و تفکر غربی علاقه مند بودند و این بعدا به گفت و گوهای ایشان با هانری کربن منجر شد. البته آقای عصار قبل از ایشان این کار را کرده بودند اما درباره این موضوع حرفی نمی زدند.

◆ آن زمان ضعف در امور مملکتی چیزی نبود که باعث شود علما و روشنفکران ما به فکر چاره برای تدارک نابه سامانی ها بیفتند؟

بله. چرا در دوره قاجاریه علما در انقلاب مشروطه شرکت کردند؟ به این دلیل که همه با نفوذ انگلیس ها و روس ها در ایران مخالف بودند. بر این امور آگاه بودند. اتفاقا جنبه سیاسی داشتند و این طور نبود که منفعل شوند و بگویند برای ما فرقی ندارد. به همین جهت انقلاب مشروطه بدون شرکت علما قابل تصور نیست.

◆ در آن دوره راهی غیر از تجدد گرایی را می شد دنبال کرد؟ آن طور که از آثار شما برمی آید، گویا سنت گرایی با بعضی علمای مشروطه موافق است و قدر مقدور و مراعات شریعت را توصیه می کند. نه تنها این مساله وجود داشت بلکه جنبه فکری تمدن جدید آنطوری که باید و شاید وارد ایران نشده بود که